



جشن نوروز و غدیر خم

دکتر سیدمحمد رضا جلالی نائینی



یادداشت سردبیر: در مقاله‌ی «نوروز، جشن طبیعت و هویت ملی» که در فروردین ۱۳۸۳ در حافظ نوشته بودم، به روایت معلی بن خنیس از امام صادق (ع) چنین نقل شده بود که: «ای معلی! نوروز، روزیست که حضرت رسالت (ص) امر فرمود یاران خود را با حضرت امیرالمؤمنین (ع) بیعت امارت نمایند.» هاتف اصفهانی نیز گفته است که:

همایون روز نوروز است امروز و به فیروزی به اورنگ خلافت کرده شاه لافتی مأوا

ایرانیان از دیرباز عید غدیرخم را مقارن نوروز معرفی می‌کردند. مقاله‌ی مرحمتی استاد دکتر محمد رضا جلالی نائینی را در آستانه‌ی جشن فرخنده‌ی نوروز، به همین مناسبت چاپ می‌کنیم که به گفته‌ی زنده‌یاد دکتر محمد مصدق نیز، هویت ایرانی بر دو رکن رگین «ایرانیت و اسلامیت» مبتنی است.

□ از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دغل ابوالحسن علی بن ابیطالب که - درود بر او باد - مادرش فاطمه دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف بود. تولدش در کعبه رخ داد و از این رو، وی را مولود کعبه خواندند. دوره‌ی شیرخوارگی را در خانه‌ی پدری گذرانید و هنوز خردسال بود که پرورش و تربیت او به حضرت محمد بن عبدالله (ص) محول گردید. چنان که امام علی در خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه خود را پرورش‌یافته و آموخته و تعلیم‌دیده و نظر کرده‌ی رسول خدا معرفی می‌کند که علمش از علم پیامبر مأخوذ است، و علم پیامبر از علم باری تعالی. حدیث: «أنا مدینه العلم و علیّ بابها» را فردوسی طوسی در یک مصراع در شاهنامه به زبان فارسی برگردانده است:

«که من شهر علمم، علیم در است»

درست این سخن گفت پیغمبر است امام علی در میان یاران پیامبر داناترین و اعلم آنان بود. در ابتدای بعثت حضرت پیامبر در شهر مکه، در حدود بیست تن سواد خواندن و برخی سواد خواندن و نوشتن داشتند. نوشته‌ها را با کمک حافظه می‌خواندند، زیرا حروف مشابه در خط عربی نشانه‌ی مشخصه‌ی میان «ت»، «ب»، «ث»، «ح»، «خ»، «ج»، یا «دال» و «ذال» یا «عین» و «غین» و یا «ق» و «ف» نداشتند و لذا کلمات را با یاری حافظه می‌خواندند. بلاذری می‌نویسد: «هنگام ظهور اسلام در میان قریش هفده مرد می‌توانستند خط بنویسند.» وقتی آثار علی بن ابیطالب (ع) را مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم، می‌نگریم که او بزرگ‌ترین خطیب و صاحب شیوه و اسلوبی خاص در فن نگارش و خطابه است، تا جایی که محمد اسعد طلس در کتاب **خلفاء الراشدون** می‌نویسد: علی نخستین نویسنده‌ی عرب در اسلام است و عبدالحمید کاتب و ابن مقفع در عصر عباسی، اسلوب

وی را دنبال کردند. او علی را اولین متفکر عالم اسلام یاد کرده است.^۲

در باب فضایل و آثار علمی و دینی و حکمی و اخلاقی و سیاسی امام علی، نویسندگان و پژوهشگران و فقیهان و مورخان و محدثان کتاب‌ها پرداخته‌اند. ابوالفرج اصفهانی در کتاب **مقاتل الطالبین** می‌نویسد: «فضایل علی بیش‌تر از آن است که به‌شمار آید.»

عبدالباق اندلسی (اسپانیایی) در کتاب **استیعاب** می‌نگارد: «فضایل علی در کتاب نمی‌گنجد.»

احمد بن حنبل، یکی از ائمه‌ی اهل سنت و جماعت، و اسماعیل ابن اسحاق قاضی گفته‌اند: «روایاتی که در باب فضایل علی وارد شده، بیش از روایات در خصوص فضایل سایر صحابه است.»

نسائی در **صحیح** خود و حاکم در **مستدرک**، شمه‌ی از فضایل علی را نقل کرده‌اند و در کتب دیگر حدیث و تفسیر قرآن مجید، اخبار و روایات بسیاری در فضایل علی موجود است که شرح آن‌ها به درازا می‌کشد و خارج از بحث ماست.

پیامبر او را میان صحابه افضی معرفی کرده است.^۳ علی نخستین جوان عرب است که به اسلام گروید و پیش از علی حضرت خدیجه کبری اسلام آورده بود. مقام و منزلت علی نزد حضرت پیامبر اسلام، هم‌چون منزلت و مقام هارون است نزد حضرت موسی. علی، داماد پیامبر و جفت فاطمه دختر پیامبر و ابن عم پیامبر است. هنگام عقد اخوت میان اصحاب، پیامبر با علی عقد برادری بست. علی عترت پیامبر است و برخی از فرزندان از صلب علی و فاطمه به‌وجود آمده‌اند و اولاد پیامبرند. علی پدر یازده امام شیعه است.

در سال نهم هجری، یعنی ذیحجه‌ی سنه‌ی نهم، پیامبر اکرم ابوبکر را امیر حاج و حاکم اهل موسم گردانید و چون از مدینه بیرون رفت، خدای تعالی سوره‌ی براءت فرو فرستاد. صحابه به خدمت

پیامبر گفتند: مصلحت آن است که به ابوبکر این سوره را بفرستی تا در منی بخواند. پیامبر فرمود که: سوره‌ی براءت را بر اهل موسم هیچ کس نمی‌تواند بخواند، مگر کسی که از بیت من باشد. پس علی را خواند و او را بفرستاد تا آن سوره را بر اهل موسم بخواند، و علی برفت و در راه به ابوبکر رسید و روز عید قربان (عید اضحی) که مردم در منی جمع شده بودند، برخاست و سوره‌ی براءت را بر مشرکان خواند و به مدینه بازگشت.^۴

در سال دهم هجرت، یعنی سال حجة الوداع که پیامبر برای

گزاردن حج بیت‌الله الحرام از مدینه به مکه رفت و حج گزارد، پس از مراسم و مناسک حج، به کعبه رفت و با کعبه وداع کرد و شبانه از مکه به سوی مدینه حرکت کرد و چون به نزدیک جحفة به آبگیر خم (غدیر خم) رسید، فرود آمد و امر فرمود تا زیر درختان جاروب شد و منادی صلوات جمعه را اعلام داشت و به اقامه‌ی نماز جمعه پرداخت، و آنگاه به جهاز شتران برشد و دست علی را بگرفت و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَعَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذَلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ ادِرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ ثَلَاثًا».^۵

دیگر از فضایل علی آن که پیامبر خطاب به صحابه‌ی خود فرمود: «اقصاكم علی» و شیعیان بر آن‌اند که معنی امامت آن است که امام افضی قضات باشد در هر واقعه‌ی و حاکم دو نزاع‌کننده در هر حادثه‌ی بی.

آثار امام علی

آثار ادبی و علمی و دینی و حکمی امام علی به قرار زیر روایت شده و اغلب آن‌ها در دست است و به زیور طبع آراسته شده:

۱- **غُرر الحکم و دُرر الکلم**: مشتمل بر کلمات قصار و سخنان کوتاه پرمغز علی است که به‌اهتمام شیخ عبدالواحد بن عبدالواحد به ترتیب حروف تهجی فراهم آمده و کیپرس (Kuypres) خاورشناس انگلیسی آن را طبع کرده و انتشار داده است.

۲- **هزار کلمه (الف کلمه)**: ابن ابی‌الحدید در پایان شرح نهج‌البلاغه از این اثر یاد کرده است، ولی اکنون از وجود آن اطلاعی در دست نیست.

۳- **نثر الالهی**: این اثر مشتمل است بر ۲۷۸ امثال و حکم و تاکنون چندین بار طبع گردیده است.

۴- **بعض الامثال السائر من کلام امام علی**: ابوالفضل میدانی در **مجمع الامثال** مشهور خود این امثال را جمع‌آوری و ضبط کرده و بالغ بر ۴۸ مَثَل است.

۵- **طُفافة الامثال**: مجموعه‌ی بیست مشتمل بر امثال سائره‌ی که میدانی در **مجمع الامثال** خود آورده و همراه با **غُرر الحکم و دُرر الکلم**، به‌اهتمام کرنیاوس در مجلدی واحد با عنوان



حکم‌الامام علی بن ابیطالب فراهم آمده و به‌سال ۱۸۰۶ م. در آکسفورد طبع گردیده است.

۶- **مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب**: این کتاب در دست فرهنگ‌ی معروف سرکیس، مؤلف **مُعجم المطبوعات العربیه** بوده است (چاپ مصر، ۱۹۲۸ م.) و درباره‌ی آن می‌نویسد: «اثری ست لطیف در حکم و مواعظ».

۷- **دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم**: مشتمل است بر خطب و مواعظ امام علی و جامع آن قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامه‌ی قضاعی است که از میان کلام و خطب امام علی برگزیده و بارها به زیور چاپ آراسته شده است.

۸- **دیوان شعر**: دیوان شعری به‌نام **دیوان علی بن ابیطالب** در است، اما انتسابش به امام محرز نیست. این دیوان به زبان‌های فارسی و ترکی و لاتینی و... ترجمه و چاپ شده است.

یاقوت حموی در **مُعجم الأدباء** ضمن ترجمه‌ی حال امام، ابیاتی چند از آن حضرت ضبط کرده است. هم‌چنین قصیده‌ی **مُطول** موسوم به **قصیده‌ی زینبیه** به امام علی منسوب است. این قصیده نیز به زبان ترکی ترجمه شده و شیخ عبدالمطی سملای آن را به زبان عربی شرح کرده است. جمال‌الدین سیوطی، محقق مصری، در **تاریخ الخلفاء** می‌نویسد که: «ابوبکر و عمر و عثمان و علی شعر می‌سرودند و علی اشعار ایشان بود.»

۹- **نهج‌البلاغه**: این کتاب مهم‌ترین آثار ادبی و دینی و تاریخی و حکمی امام علی است. دینی‌ست برای این که شماری چند از خطب امام پیرامون و حدائیت خدای تعالی و پرستش و ستایش و ثنا و حمد اوست و اطاعت از اوامر و نواهی حق تعالی برای هر مسلمانی واجب و لازم و ضروری‌ست. او آفرینش را به‌وجود آورد و پیامبران را برای هدایت و راهنمایی خلق برانگیخت. این کتاب ادبی‌ست برای آن که در توصیفش گفته‌اند کلامی‌ست فروتر از کلام خدا و سخنانی‌ست فراتر از سخن بشر. تاریخی‌ست از این رو که در پاره‌ی از خطب به جریانات و وقایع تاریخی و رویدادهای سیاسی اشاره شده و در واقع تاریخ خلافت امام است.

ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ، امام ادیبان و فصیحان عرب، در کتاب **البیان و التبین** در مورد این جمله‌ی قصار امام علی: «**قیمیة کل امرء مایحسین**» می‌نویسد: «اگر از این کتاب مگر هم‌چنین جمله را نداشتیم، آن را شافی، کافی، بسنده و بی‌نیازکننده می‌یافتیم بلکه آن را افزون از کفایت و منتهی به غایت می‌دیدیم و نیکوترین سخن آن است که اندک آن تو را از بسیار بی‌نیاز سازد و معنی آن در ظاهر لفظ آن بود.»^۶

سید شریف رضی در سال ۴۰۰ هجری قمری، خطب و رسایل و کلمات قصار امام علی را از میان مأخذ موجود در زمان خود فراهم آورد و آن را **نهج‌البلاغه** نامید.

او این کتاب را در سه بخش مجزاً از هم تدوین نمود، از این قرار:

بخش اول، مشتمل بر ۲۴۱ خطبه؛

بخش دوم، مشتمل بر ۷۹ نامه و فرمان؛

بخش سوم، محتوی ۴۸۰ کلمات قصار.

سید شریف رضی مبتکر و پیشتاز در جمع‌آوری سخنان و خطبه‌های امام علی نیست، و سال‌ها پیش از او خطب و کلمات آن حضرت جمع‌آوری شده بود.

ابوعثمان عمرو بن جاحظ (۱۶۳-۲۵۰) که ذکرش گذشت، در کتاب **البيان و التبيين** می‌نویسد: «و هذه خطب رسول الله مُدَوَّنة، محفوظة و مُخلَّدة مشهورة؛ و هذه خطب ابوبکر و عمر و عثمان و علی - رضی الله عنهم -^{۱۰}». نوشته‌ی جاحظ دلالت دارد که در سده‌ی سوم هجری خطبه‌های پیامبر و ابوبکر و عمر و عثمان و علی مکتوب و فراهم شده بود.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مورخ رَحَّالِی عرب در کتاب **مروج الذهب و معادن الجوهر** که به سال ۳۳۲ هجری قمری تألیف گردید و به سال ۳۳۶ هجری قمری در آن کتاب تجدید نظر کرد و بعد در ۳۴۵ هجری قمری مطالب زیادی بر این تألیف خویش افزود، می‌نویسد:

و الذی حفظ الناس عنه من خطبه فی سائر مقاماته اربعمائة خطبة و نیف و ثمانون خطبة، یوردها علی البدیة و تداول الناس ذلک عنه قولاً و عملاً.

بنابراین بالغ بر ۴۸۰ و اند خطبه از امام علی در نیمه‌ی اول قرن چهارم هجری قمری، پیش از تولد سید شریف رضی، در دست و حافظه‌ی مردم بوده است و شریف رضی توانسته است تقریباً نیمی از تعداد خطبی را که مسعودی برشمرده، به دست آورد و در مجلد واحد درج و ضبط کند.

عبدالحمید بن یحیی عامری مقتول به سال ۱۳۲ هجری قمری (کاتب مروان بن محمد، آخرین حاکم مروانی)، می‌گوید: «هفتاد خطبه از خطب اصلع (علی بن ابیطالب) را از بر کردم و این خطبه‌ها در ذهن من پی‌درپی چون چشمه‌ی می‌جوشید.»^{۱۱} عبدالحمید نویسنده‌ی مشهور عرب است که در وصف او گفته‌اند: «کتابت از وی آغاز شده است.»

عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل (م ۳۷۴ هجری قمری)، از خطبای معروف عرب در قرن چهارم، گفته است: «از خطابه‌ها گنجی از بر کردم که هرچند از آن بردارم، نمی‌کاهد و افزون می‌شود و بیش‌تر آن چه از بر کردم، یک‌صد فصل از موعظت‌های علی بن ابیطالب است.»^{۱۲}

نظر نقادان درباره‌ی نهج البلاغه

از قدیم، ادیبان و نویسندگان و مورخان و عالمان به خطب امام علی توجه و عنایت بسیار میدول داشته‌اند. از این رو شروح و تعلیقاتی بر خطب آن حضرت نوشته شده است که مطول‌ترین آن‌ها شرح عبدالحمید بن هبة الله بن محمد بن ابی‌الحدید (۵۸۶ - ۶۵۵ هجری قمری)، از بزرگان و متفکران و عالمان سده‌ی هفتم هجری است که از سران معتزله بود. این شرح مشتمل بر بیست جزء

است و متن عربی با شرح و تعلیقاتش در مصر و بیروت و ایران بارها طبع گردیده است.

و نیز از جمله‌ی شروح **نهج البلاغه**، شرح علامه کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم‌البحرانی است، مطبوع به سال ۱۲۷۴ هجری قمری در ایران.

سه دیگر، شرح محدث و فقیه عالیقدر، امام محمد عبده (ف ۱۹۰۵ م) است. این شرح، شرح لغوی است، مطبوع در مصر و بیروت. و افزون بر آن شروح، شرح شیخ محمدحسن نائل مرصفی است که در دارالکتب العربیه در مصر به زیور طبع آراسته شده است.

متن عربی **نهج البلاغه** بارها در هند، تهران، تبریز، دمشق و مصر طبع گردیده است. درباره‌ی ارزش والای ادبی این کتاب و نسبتش به امام، عده‌ی بسیاری از ادیبان و محدثان قدیم و جدید، نظرات مختلفی ابراز داشته‌اند؛ از آن میانه است:

قاضی شمس‌الدین احمد برمکی مشهور به ابن‌خلکان، در کتاب **وفیات الأعیان و انباء ابناء الزمان** ضمن ترجمه‌ی حال سید شریف رضی، در تعلق این کتاب به امام علی شک و تردید دارد و می‌نویسد: «گفته شده که این کتاب کلام امام علی نیست و واضع آن سید رضی است، والله اعلم.»

ابوعبدالله محمد ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸ هجری قمری) در کتاب **میزان الاعتدال** نسبت این کتاب را به امام علی مردود دانسته و منجزاً آن را رد کرده است.

صلاح‌الدین خلیل بن ایبک صفدی، مورخ دیگر عرب، در کتاب **الوافی بالوفیات**، واضع **نهج البلاغه** را سید شریف رضی معرفی می‌کند.

ابن ابی‌الحدید، مجموع **نهج البلاغه** را از کلام امام علی می‌داند و نظر مخالفان را مردود دانسته است و می‌گوید که: اینان مردمی هستند که تعصب چشمان‌شان را کور کرده است و به ضلالت سوق داده شده‌اند.^{۱۱}

شیخ محمد عبده، مفتی اهل سنت و جماعت که **نهج البلاغه** را تصحیح و تنقیح کرده و آن را مورد پژوهش قرار داده است، مطلبی بر ردّ برخی از خطب مرقوم نداشته است، لیکن در روی جلد **نهج البلاغه** مصحح او این عبارت درج شده است: «و انّ مدبر تلک الدولة و باسل تلک الصولة، هو حامل لوائها الغالب. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب.»

خطبه‌های مطول نهج البلاغه

ظاهراً هر خطبه‌ی مطولی مشتمل بر چند خطبه است که در هم ادغام شده و تشکیل خطبه‌ی واحدی را داده‌اند، زیرا دشوار می‌نماید که شنوندگان تیز حافظه‌ی امین، گفتار امام را که ده تا پانزده صفحه نثر عربی در برمی‌گیرد، با شنیدن آن توانسته باشند در حافظه‌ی خود بی‌کم و کاست ضبط کنند و بعد به کتابت درآورند. این خطبه‌های طویل از حیث اسلوب کلام با سایر خطبه‌ها سازگاری دارند و نشان می‌دهد که قایل آن‌ها شخص واحدی است و جامعان و محققان **نهج البلاغه** نیز این‌گونه خطب را به امام علی منسوب داشته‌اند. به عبارت دیگر، هر یک از خطبه‌های طویل امام علی، مشتمل بر چند خطبه‌ی قصیر است که در موارد خاصی پیرامون مسایل و مطالب متنوع و از هم جدا ایراد شده و بعدها حافظان و

ناقلان و جامعان آن‌ها را در یک‌جا گنجانند و به‌صورتی در آمد که شریف رضی عیناً استنساخ و نقل کرده است. (والله اعلم بالصواب).

غالب خطبه‌های **نهج البلاغه** در مدت حدود پنج سالی که امام علی به امور خلافت اشتغال می‌ورزید، ایراد شده است و یادگار ارزنده‌یی از دوران خلافت آن حضرت می‌باشد. حکومت خلفای

راشدین عملاً به وجود مبارک او پایان یافت و پس از آن بنی‌امیه بر غالب مناطق اسلامی مستقیماً استیلا یافتند. اغلب مورّخان، حاکمان ستمکار بنی‌امیه را به‌عنوان خلیفه نشناخته‌اند، زیرا غالب آنان به کتاب و سنت پیامبر توجه و اعتقادی نداشتند تا بتوانند مدعی خلافت آن حضرت باشند.

امام علی با این که خود را سزاوارتر از دیگران به خلافت می‌دانست، با سه خلیفه‌ی قبلی بیعت کرد و مورد مشورت آنان - خاصه در زمان عمر - قرار گرفت. او برای وحدت مسلمانان از حق خویش صرف‌نظر کرد.

احمد امین، محقق مصری، در کتاب **فجر الاسلام** در نسبت‌دادن این کتاب به امام علی تشکیک می‌کند. او وجود جملات سجع مُنمَّق و آرایش‌یافته و صناعت لفظی و دقت در توصیف به حد نهایت، هم‌چون «والاستغفار علی ستة معان»،

«و الایمان علی اربع دعائم» یا «والکفر علی اربع دعائم» (و کفر بر چهار ستون پایدار است)^{۱۲} را دلیل بر این می‌داند که در عصر عباسی که فلسفه‌ی یونان به عربی منتقل شد، به کتابت درآمده است و نیز توصیف پرنده‌ی طاووس را که با دقت زیاد در متن **نهج البلاغه**، خطبه‌ی ۱۶۵ آمده است، نشانه‌ی آن می‌داند که پس از عهد امام علی به کتابت درآمده است.^{۱۳}

عبدالحمید محیی‌الدین، مدرس دانشگاه الازهر، بر این نظر است که بیش‌تر آن چه در **نهج البلاغه** مضبوط است، متعلق به امام علی‌ست و گوید: «نه ادیبان عصر حاضر و نه کسانی که در قدیم درباره‌ی **نهج البلاغه** سخن رانده‌اند، ادعا نکردند که اکثر آن چه در **نهج البلاغه** مسطور است، متعلق به امام علی نیست، ولیکن پاره‌یی از ادیبان عصر ما بر آن رفته‌اند که در میان خطب و رسایل امام مطالبی به چشم می‌خورد که از غیر شریف رضی نقل نشده است، از قبیل: تعریض به صحابه‌ی رسول‌الله و تنمیق و صناعت لفظی و دقت در صفات موصوف و صلابت فکر و بیان و ژرف‌کاوی و موشکافی لفظی و معنوی، همه راجع است به عصر عباسی.»

و نیز گوید: «صدور ادعای علم غیب از امام علی مجال می‌نماید.» به‌طور خلاصه، تعریض به صحابه و سجع تنمیق لفظی و دقت در وصف و ادعای علم غیب را از اموری دانسته است که بنابر قول او نسبتش به امام علی صحیح نیست.

در مورد سجع تنمیق یا سخن آراسته، به‌نظر جمعی از محققان، در زمان امام علی سجع در زبان عربی وجود داشته و علی بن ابیطالب به سجع‌گویی شناخته می‌شده است. هنگامی که زینب کبری دخت امام علی، (در کوفه) در پاسخ ابن زیاد گفت: «مهمتر ما را

گشتی، از خویشانم کسی نهشتی، نهال ما را شکستی، ریشه‌ی ما را از هم گسستی، اگر درمان تو این است، آری چنین است.»

ابن زیاد گفت: «سخن به سجع می‌گوید، پدرش سخنان مسجع می‌گفت.»^{۱۴} بلاذری می‌نویسد که: «مختار قبل از خروج، به سخن سجع سوگند خورد که گور کثیر بن شهاب را که دشمن امام علی بود، نبش همی کنم.»^{۱۵}



نشسته از چپ به راست: مجید مهران، محمدرضا جلالی‌نائینی، انور خامه‌ای، احسان نراقی، هرمیداس باوند، حسن امین، حسین تجدد، علیقلی بختیاری. ایستاده از چپ: فضل‌الله کاسمی، شناخته نشد، کاظم اسکویی، شریف‌ا، شناخته نشد، رضا فاضلی.

بنابراین، سجع در زبان عرب صدر اسلام بوده است و از همه مهم‌تر آن که در خود قرآن کریم نیز آمده است و بدیهی‌ست پیش از آن که سخن سجع به کتابت درآید، در کلام و گفتار رایج بوده است. این ایرادات چه درست باشد، یا نادرست، هیچ خدشه‌یی به ارزش ادبی **نهج البلاغه** وارد نخواهد کرد. **نهج البلاغه** در عالم ادب عربی و معارف اسلامی، ثانی ندارد و پس از این هم نخواهد داشت. ■

کتاب‌نامه

- ۱- ابن کلی، هشام بن محمد، ۱۳۴۸، الاصنام، ترجمه‌ی محمدرضا جلالی نائینی، تهران، تابان.
 - ۲- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۷۹، فتوح البلدان، تهران، نقره.
 - ۳- جاحظ، عمرو بن بحر، ۱۹۲۶ م، بیان و التبین، مصر.
 - ۴- دینوری، احمد بن داود، ۱۹۶۰ م، اخبار الطوال، قاهره.
 - ۵- سیوطی، جلال‌الدین، تاریخ الخلفاء امراء المؤمنین القائمین بامر الله.
 - ۶- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، به‌اهتمام محمد بن فتح‌الله پدران، تهران، دانشگاه الزهرا.
 - ۷- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، اروپا.
 - ۸- طلّس، محمد اسعد، ۱۹۵۷ م، خلفاء الراشدون، بیروت.
 - ۹- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۵ هـ. ق / ۱۹۶۵ م، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت.
 - ۱۰- مصری، احمد امین، فجر الاسلام.
 - ۱۱- مهدوی، اصغر و مهدی قمی‌نژاد، ۱۳۶۸، خلاصه‌ی سیرت رسول‌الله، تهران.
 - ۱۲- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ترجمه‌ی فارسی استاد دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران.
 - ۱۳- یعقوبی، احمد بن اسحق، تاریخ یعقوبی، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
- ### پی‌نوشت‌ها
- ۱- بلاذری، ۱۳۷۹، ص ۶۵۶. ۲- محمد اسعد طلّس، ۱۹۵۷، ص ۲۰۱.
 - ۳- شهرستانی، الملل و النحل. ۴- مهدوی و قمی‌نژاد، ۱۳۶۸، صص ۲۶۴-۲۶۵.
 - ۵- شهرستانی، ص ۳۲۷. ۶- سیوطی، ص ۱۲۲. ۷- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، مقدمه.
 - ۸- جاحظ، ۱۹۲۶، ص ۱۷۴. ۹- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، مقدمه. ۱۰- همان.
 - ۱۱- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ج ۱، ص «و». ۱۲- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ص ۳۶۵.
 - ۱۳- احمد امین المصری، ص ۱۷۸. ۱۴- نهج البلاغه، ۱۳۶۸، مقدمه. ۱۵- بلاذری، ۱۳۷۹، ص ۴۳۴.